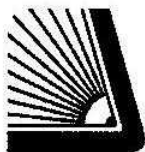


۱۳۳۷۰۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَلَمْ يَلْمِ يَظْمُونَ

## آقای عشق

ژانویه ۱۳۵۴



انتشارات نظری

سرشناسه	برنامه: ژيلا
عنوان و نام پديدآور	آقای عشق / ژيلا برنامه
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۴
مشخصات ظاهري	۱۲۰:
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۲۹۳-۵ :
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۲۷۴۹۸ :

نام کتاب : آقای عشق  
 نویسنده : ژيلا برنامه  
 نوبت چاپ : ۱۲، ۴ -  
 شمارگان : ۶۰۰  
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی : فریاد - مادیتا



انتشارات نظری

---

«کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می باشد»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان پیدایش، نالدین اسدآبادی (یوسف آباد)  
 نبش خیابان فتحی شفاعی، جنب بان  
 ک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحه ۱۷

www.nashrenazari.com      info@nashrenazari.com  
 تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵      همراه: ۰۹۱۰۲۷۹۱۵۵

پیام کوتاه: ۱۰۰۰۰۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت ۷۰۰۰۰ ریال

به نام خدایی که اگر حکم کند، همه محکومیم.

گاهی وقتی میان، روزمره‌های زندگیت غرق می‌شوی، وقتی به بالا و پایین زندگیت، عادت کرده‌ای، وقتی روال زندگیت، دست آمده و هر روز یک برنانه کاری مشخص داری، اتفاقی همه چیز را عوض می‌کند. خواه اتفاق خوب باشد، خواه بد. خوب که باشد تکلیفت روشن است، سرعت زندگیت، انرژیت، رونق افزون می‌شود. اما اگر اتفاق، بد باشد، غمگین‌ترین ساز زندگیت کوک می‌شود. ساعات زندگیت متوقف می‌شود. خوابت، کم و زیاد می‌شود. غمهایت دو برابر می‌شود، روزهایی می‌رسد که می‌بری از خدا، از همه توقع می‌کنی. م‌سکنتی، خورد می‌شوی، حرف می‌زنی، درد دل می‌کنی، اما سبک نمی‌شوی.

بعد از مدتی، حتی درد دل کردن هم جواب نمی‌دهد. حوصله‌ات از خودت، سر می‌رود. روزهایی که پی‌درپی، بغض می‌کنی. لب می‌شوی. دل می‌کنی از دنیا.

غمت که زیاد می‌شود، دچار اشتباه می‌شوی. گم می‌شوی راه را از بیراهه. خوب را از بد. کس را از ناکس و به این ترتیب، قضاوت می‌کنند بدون اینکه از سوز سینه‌ات، از فکر درگیرت، خبر داشته باشند آدم‌ها، قضاوت می‌کنند. و تو از دید آنها تبدیل می‌شوی به عاشق، تبدیل

می شوی به کافر، تبدیل می شوی به مجنون و هزار لقبی که بر اثر اشتباهت، به تو سند می زنند. گاهی انسان ها چه راحت به هم برچسب می زنند. و به این ترتیب یکی بد می شود و دیگری خوب. یکی بهشتی و دیگری جهنمی.

قضاوت کردن این روزها آسان شده. قضاوت کردن این روزها بسیار آسان شده و من تمام تلاشم را کرده ام، تا با عنصر قلم، به تصویر بکشم. شسته و آینه مرد دل شکسته ای را که از دید انسان ها، طرد شده و بدترین آدم ها، حتی شاید، از نظر شما، بر او جاری می شود...

مردی که خاطر هجوم بیش از حد غم و غصه، مدت زمانی فاصله گرفته از حقایق و حقایق را برایش و به راحتی در مورد او قضاوت می شود.

جایی خواندم مردم که هر پیر هیزگار گذشته ای دارد و هر گنه کار آینده ای. قضاوت هایمان که درست از آب در نمی آید.

سعی کردم در این کتاب، اشاره ای به این موضوع داشته باشم. من به عنوان نویسنده کتاب، عاشق تک تک نکات شخصیت های داستانم هستم. چه شخصیت بد، چه شخصیت خوب.

حال حساب کنید، عشق بی نظیر خدا را نسبت به بندگانش و این داستان را تقدیم می کنم به تمام عاشق های دل شکسته ای که از خدا کسی از سوز سینه شان خبردار نشد. عاشق هایی که ساعت ها در تنهایی سکوت می کنند، غصه خوردند، آه کشیدند و حسرت خوردند. عاشق هایی که نتوانستند، دردشان را، عمق غم ها و غصه هایشان را به کسی جز خدا ثابت کنند. عاشق هایی که در خلوت گریستند و زجه زدند و در جمع گفتند و

خندیدند، عاشق‌هایی که با رفتن عشقشان، زندگی را تعطیل کردند، عاشق‌هایی که با خدا لج کردند و از خوب‌هایش بریدند و به این ترتیب راجع به آنها قضاوت شد.

این کتاب تقدیم به آقای عشق، علی ابن موسی الرضا. امیدوارم این کم را از من بپذیرید.

www.ketab.ir